گزارش موارد نقض حقوق بشر پرونده آتنا فَرقَدانی:

از هتک حرمت در زندان تا تهدیدهای تلفنی

Justice For Iran

گزارش موارد نقض حقوق بشر پرونده آتنا فَرقَدانی:

از هتک حرمت در زندان تا تهدیدهای تلفنی

عدالت برای ایران
دی۱۳۹۳
وب سایت: www. justiceforiran.org
پست الکترونیکی: info@jfingo.org
کلیه حقوق ناشی از مالکیت معنوی این اثر متعلق به عدالت برای ایران است. با این همه، نقل قول و استفاده از محتوای این گزارش با ذکر منبع آزاد است.

فهرست

مقدمه:..... ۴
موارد نقض حقوق بشر در پرونده آتنا فَرقَدانی ۵
نقض اصل منع بازداشت خودسرانه: دستگیری بدون ارائه حکم ۵
نقض حق دسترسی به مشاوره حقوقی و ملاقات با وکیل ۶
نقض اصل ممنوعیت شکنجه..... ۷
نقض حقوق شهروندی: ممانعت از تماس و ملاقات با خانواده..... ۹
نقض حقوق زندانی برای دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی ۱۰
نقض اصول دادرسی منصفانه..... ۱۲
نقض حق رسیدگی به شکایت شهروندان در رابطه با نقض حقوق بشر ۱۳
نقض حق ادامه تحصیل..... ۱۴
ناقضان حقوق بشر در پرونده آتنا فَرقَدانی..... ۱۴
زندانبانان و ماموران بند دو الف سپاه ۱۴
علیرضا خورشیدی ۱۵
ابوالقاسم صلواتی، رئیس شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران..... ۱۵
پیوست‌ها:..... ۱۶
احضاریه دادگاه انقلاب برای آتنا فَرقَدانی..... ۱۶
رسید پستی ارسال نامه‌های اعتراضی آتنا فَرقَدانی به مقامات و نهادهای مسئول ۱۷
نامه اعتراضی آتنا فَرقَدانی خطاب به مقامات و نهادهای مسئول..... ۱۸

مقدمه

آتنا فرقدانی، ۲۸ ساله، هنرمند و فعال حقوق کودکان کار و زندانی سیاسی است. وی که اولین بار در شهریور ۹۳ به دلیل محتوای آثار هنری‌اش و فعالیت‌های مدنی‌اش از سوی قرارگاه ثارالله سپاه پاسداران بازداشت‌شده بود. طی مدت نزدیک به دو ماهی که در بند دو الف سپاه در زندان اوین حبس بود، مورد هتک حرمت قرار گرفت و با موارد فراوانی از نقض حقوق بشر روبرو شد.

دیدار خانواده کشته‌شدگان اعتراضات پس از انتخابات ۱۳۸۸ و زندانیان سیاسی، حضور در تجمعات اعتراضی جلوی زندان اوین و انتشار نقاشی‌های انتقادی از جمله دلایل بازداشت این فعال مدنی عنوان شده است. او چهار روز پس از بازداشت در شعبه دو دادسرای اوین از سوی بازپرس علیرضا خورشیدی، تفهیم اتهام شد و اتهامات «تبلیغ علیه نظام، اقدام علیه امنیت کشور، تجمع و تبانی با افراد ضدانقلاب(که منظورشان ارتباط با محمد نوری‌زاد و ناصر اشجاری بود) و فرقه ضاله (بهاییان)، ، توهین به نمایندگان مجلس از طریق مهارت نقاشی و توهین به مقام معظم رهبری و سپاه پاسداران و سه قوه» به او تفهیم شد.

آتنا فرقدانی پس از آزادی، در نهم مهرماه ۹۳ به قید وثیقه‌ای سنگین آزاد می‌شود؛ اما کمی بعد از آزادی با انتشار ویدئوئی، اقدام به افشاگری در رابطه باوجود دوربین فیلم‌برداری در دستشویی و حمام بخش زنان و هتک حرمت و ازار جنسی توسط زندانبانان کرد.

او دلیل ضبط و پخش این ویدئو را عدم رسیدگی و توجه مسئولین به نامه‌هایی اعلام کرد که پس از آزادی، در رابطه با این مسئله و آزارهایی که در طول مدت بازداشت دیده؛ به آن‌ها ارسال کرده است. این نامه‌ها به ریاست کل دادگستری، معاونت زنان در ریاست جمهوری، دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، اداره کل زندان‌های استان، رئیس‌کل زندان اوین، دبیرخانه تشخیص مصلحت نظام، مجلس شورای اسلامی و رهبری و ریاست جمهوری ارسال‌شده بود. پس از انتشار این ویدئو در فضای مجازی در هفتم دی‌ماه، وی بار دیگر در تاریخ ۱۷ دی، به‌صورت تلفنی برای سه روز بعد به دادگاه انقلاب احضار شد. پس از شرکت آتنا فرقدانی در دادگاه پس‌ازاینکه توسط مأموران، مورد ضرب و شتم در دادگاه قرار گرفت، دوباره بازداشت و به زندان قرچک ورامین منتقل شد.

عدالت برای ایران با اعلام نگرانی شدید از احتمال بازداشت مجدد آتنا فَرقَدانی به دلیل پیگیری حقوق خود، در گزارشی تفصیلی برخی موارد نقض حقوق بشر در این پرونده را بررسی کرده است.

موارد نقض حقوق بشر در پرونده آتنا فَرقَدانی

بازداشت خودسرانه و بدون ارائه حکم بازداشت، دسترسی نداشتن به وکیل، حبس انفرادی، ممانعت از ملاقات با خانواده و عدم دسترسی به امکانات بهداشتی اولیه و ضروری از جمله موارد نقض حقوق این فعال مدنی است. او در دوران بازداشت به خاطر رعایت نکردن حجاب کامل اسلامی در هنگام اعتصاب غذا و انتقال به بیمارستان تحت فشار بوده و پس از آزادی از زندان نیز از حق ادامه تحصیل محروم شده است. تهدیدها و احضارهای تلفنی و غیرقانونی مقامات قضایی پس از آزادی از زندان از دیگر موارد نقض حقوق بشر در این پرونده است.

نقض اصل منع بازداشت خودسرانه: دستگیری بدون ارائه حکم

آتنا فَرقَدانی که پیش از بازداشت از سوی ماموران امنیتی صورت تلفنی تهدید شده بود، روز اول شهریور ۱۳۹۳ در هنگام ترخیص از بیمارستان بازداشت شد. ۱۲ ماموری که برای بازداشت او مراجعه کرده بودند، از ارائه حکم بازداشت و حکم بازرسی منزل و توقیف اموال به او خودداری کردند و حتی لیست وسایل شخصی توقیف شده را به او نشان ندادند.

او درباره شیوه بازداشتش به عدالت برای ایران می‌گوید: "در روز بازداشت، به همراه پدر و مادرم در حال بازگشت از بیمارستان به خاطر درمان جراحت دستم بودم که متوجه شدیم چندین مامور امنیتی در اطراف خانه منتظر ما هستند. چند نفر در یک پژو با ماشین دودی جلو در خانه و سرکوچه هم چند موتوری و دو پژو دیگر با شیشه های دودی نشسته بودند. جلو درآسانسور که رسیدیم یک مامور همراه ما به خانه امد و دیدیم که چند نفر هم داخل خانه هستند. خواهرم در خانه تنها بود و وقتی دو مامور زن و مرد به خانه مراجعه کرده بودند چون نمی‌دانسته اینها کی هستند، در را باز نمی کرده اما دیده که از چندنفر از پشت بام و با بی‌سیم در حال ورود به منزل هستند. و بالاخره وقتی در را باز کرده، مامور زن دستش را محکم گرفته و گفته چرا در را باز نمی‌کنی و خواهرم گفته من فکر کردم دزد هستید و آنها هم گفته‌اند از طرف اوین امده‌ایم و حکم بازرسی منزل‌تان را داریم وحکم جلب را هم به او نشان داده بودند.اما هرقدر که من خواستم حکم

بازداشت یا بازرسی منزل را ببنیم نشانم ندادند و حتی لیست توقیف وسایل شخصی ام را به من نشان ندادند و گفتند پدر ومادرت امضا می‌کنند و لزومی ندارد تو ببینی. همه کتاب‌هایی را که در ایران منتشر شده‌اند را به همراه لپتاپ‌تبلت و گوشی تلفنم در چندین کیسه ریختند و بردند و این لوازم الکترونیکی که در لیست توقیف ننوشته بودند را هنوز پس نداده‌اند. آنها به خانواده‌ام گفتند دخترتان ۱۲ شب امشب خانه است و تمام مدت بازداشتم هم بازجویم روزی دوبار به خانواده‌ام زنگ می‌زد و می‌گفت دخترتان سه روز دیگر خانه است و با همین شیوه خانواده را ساکت نگهداشتند که اطلاع‌رسانی نکنند.”

اعلام نشدن اینکه از طرف چه نهاد امنیتی یا انتظامی بازداشت شده و به کدام زندان منتقل خواهد شد از دیگر موارد نقض حقوق او در هنگام بازداشت است.آتنا فَرقَدانی در این رابطه می گوید: “من موقع بازداشت کارت شناسایی از آنها خواستم و یکی از ماموران کارتش را جلوی صورتم گرفت، اما کارت را آن قدر نزدیک اورده بود که چیزی نمی دیدم و فقط کلمه اطلاعات را روی کارت توانستم بخوانم. اعتراضم برای اینکه کارت را نمی توانم درست بخوانم هم بی فایده بود. بر همین اساس من فکر می کردم که از طرف وزارت اطلاعات بازداشت شده ام اما وقتی به زندان منتقل شدم، از طریق غنچه قوامی که هم‌سلولی من بود متوجه شدم که در بند دو الف سپاه هستم. بعدها در بازجویی از زیر چشم بند نیز دیدیم که روی پرونده ام نوشته شده «قرارگاه ثارالله سپاه پاسدران» و مطمئن شدم‌که از طرف سپاه بازداشت شده‌ام.”

قرارگاه ثارالله بخشی ازسپاه پاسداران است که در حوزه شهر تهران فعالیت امنیتی و نظامی می‌کند. پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ نیز قرارگاه ثارالله مسئول اصلی سرکوب اعتراضات مردمی بود.

ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی–سیاسی:

هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ‌کس را نمی‌توان خودسرانه دستگیر یا بازداشت کرد.

هر کس دستگیر می‌شود باید در موقع دستگیر شدن از علل‌آن مطلع شود و در اسرع وقت اخطاریه‌ای دائر به هر گونه اتهامی که به او نسبت داده می‌شود دریافت دارد

ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر :

هیچ‌کس را نباید خودسرانه دستگیر، توقیف یا تبعید کرد

اصل ۳۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. مختلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

ماده ۶ قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی:

در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایذای افراد نظیر بستن‌چشم و سایر اعضاء، تحقیر و استخفاف به آنان، اجتناب گردد

نقض حق دسترسی به مشاوره حقوقی و ملاقات با وکیل

آتنا فَرقَدانی طی مدت بازداشتش از دسترسی به وکیل و گرفتن مشاوره‌های حقوقی محروم بود و به خانواده او نیز اجازه گرفتن وکیل داده نشد.او که اصرار به داشتن وکیل داشته است، در دو روز اول پس از بازداشت با سکوت در بازجویی ها و خودداری از پاسخ کتبی در برگه‌های بازجویی گفته بود که فقط در حضور وکیلش صحبت خواهد کرد.

آتنا فرقدانی: موقع بازداشت من به خانواده‌ام گفتند دخترتان ۱۲ شب امشب خانه است و تمام مدت بازداشتم هم بازجویم روزی دوبار به خانواده‌ام زنگ می‌زد و می‌گفت دخترتان سه روز دیگر خانه است و با همین شیوه خانواده را ساکت نگهداشتند که اطلاع‌رسانی نکنند

این فعال مدنی می‌گوید: "در جواب اصرار من مبنی بر اینکه داشتن وکیل حق من است، گفتند شما مثل اینکه فیلم زیاد دیده‌اید، تا زمانی که تحقیقات ما تمام نشود و پرونده به دادگاه ارائه نشود شما اصلا حق داشتن وکیل را ندارید."
او همچنین می‌گوید هنگامی که پس از آزادی به علیزاده طباطبایی جهت پیگیری پرونده اش وکالت داد، قاضی صلواتی تهدید کرد « اگر وکیلش این آقا باشد حکم سنگین‌تری برایت می‌دهم » و خانواده ترجیح دادند وکیل را عوض کنند. حق دسترسی به وکیل یکی از مواردی بود که این زندانی سیاسی برای رسیدن به آن، دست به اعتصاب غذا زد.

ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی–سیاسی:
هر کس متهم به ارتکاب جرمی بشود با تساوی کامل لااقل حق تضمین‌های ذیل را خواهد داشت:
ب ـ وقت و تسهیلات کافی برای تهیه دفاع خود و ارتباط با وکیل منتخب خود داشته باشد

ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر:
هر انسانی سزاوار و محق به دسترسی کامل و برابر به دادرسی آشکار و عادلانه توسط دادگاهی بیطرف و مستقل است تا در برابر هر گونه اتهام جزایی علیه وی، به حقوق و تکالیف وی رسیدگی کند

ماده ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:
در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد

ماده ۳ قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی:
محاکم و دادسراها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت وفرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند

اصل نقض ممنوعیت شکنجه

با وجود اینکه طبق قانون اساسی ایران اعمال شکنجه ممنوع است، آتنا فَرقَدانی طی مدت بازداشتش ۱۵ روز در سلول انفرادی بود و در ۲۵ مهر ماه هنگامی که در اعتصاب غذا به سر می برد، از سوی زندانبان بند دو الف مورد ضرب و شتم و هتک حرمت قرار گرفت. پس از اینکه به هیچ‌یک از شکواییه‌هایی که او به مقامات متعدد تسلیم کرده بود هیچ پاسخی داده نشد، او در ویدیویی که پس از آزادی از زندان و از طریق یوتیوب منتشر کرد، برخورد زندانبانان را توضیح داده است.

یکی از نقاشی‌های آتنا فرقدانی که در زندان روی لیوان کاغذی کشیده است

وی در بخشی از این ویدئو می‌گوید: : "روز ۲۵ مهرماه ۱۳۹۳ به دلیل اینکه به من گفته شده بود که دوربین‌هایی که در حمام و دستشویی کار گذاشته شده‌اند کار نمی‌کنند من هم دو لیوان کاغذی (برای اینکه روی آنها نقاشی بکشم) برداشتم و داخل لباس‌هایم جاگذاری کردم. وقتی به سلولم برگشتم صدای پچ پچ این خانم ها را شنیدم که دائما می‌گفتند این لیوان‌ها را برای چه می‌خواهد و یکی دیگر از آن‌ها می‌گفت فیلم را بزن عقب فیلم را بزن جلو. تا آمدم این لیوان‌ها را از لباسم خارج کنم و یک جایی از سلول قایم کنم متاسفانه یکی از این خانم ها به صورت خیلی وحشتناک و خیلی وحشیانه در سلول من را باز کرد و با توهین و فحاشی داد زد که همین الان لباس‌هایت را از تنت بکن. من هم هرچقدر که گفتم این کار شما قانونی نیست این کار غیرقانونی است حتی از لحاظ شرعی درست نیست که من لباس‌هایم را جلوی شما در بیاورم باز هم این خانم شروع به فحاشی کرد و صدا بلند کردن. یکی از خانم‌ها، همان اولی که که خیلی فحاشی می‌کرد دو دست من را به سمت بالا برده بود بخاطر اینکه من ممانعت می‌کردم از اینکه بخواهند بدن من را بگردند و لباس‌های من را در بیاورند. دست سمت راست من کوبیده شد به دیوار و استخوان مچ دستم به شدت کبود شد و ورم کرد. یکی دیگر از زندانبان‌ها همان طور که داشت بالاتنه من را می‌گشت و چیزی هم پیدا نکرد، جای چنگ‌هایش روی سینه من افتاده بود. یکی دیگر از خانم ها شروع کرد به پایین تنه من را گشتن. خواستند فرش را در آورند که من گفتم این کار شما درست نیست. گفتم من در اعتصاب غذا هستم در اعتصاب غذای خشک هستم، شکایت می‌کنم و متاسفانه این خانم دوباره شروع به فحاشی کردند و اینکه دست‌شان را آوردند جلو و گفتند دهانت را ببند وگرنه چنان می زنم که دهانت پر از خون بشود. اگر دهانت را نبندی."

آتنا فرقدانی: تقریبا یک شب در میان کابوس می‌بینم که دستشویی دارم و دنبال دستشویی می‌گردم که در داشته باشد...اما همه دستشویی‌ها بدون در هستند و همه می‌توانند من را ببینند. در کابوس‌هایم ده‌ها دستشویی در یک مکان بزرگ کنار هم هستند، ولی همه‌شان بدون در هستند و نمی توانم به دستشویی بروم و از خواب می‌پرم

علاوه بر ضرب و شتم ماموران زندان ،نقض حریم شخصی و کارگذاشتن دوربین در توالت و حمام زندان نیز از لحاظ روحی او را بسیار آزار داده است. آتنا فَرقَدانی درباره تاثیر این مساله می‌گوید: "تقریبا یک شب در میان کابوس می‌بینم که دستشویی دارم و دنبال دستشویی می‌گردم که در داشته باشد.اما همه دستشویی‌ها بدون در هستند و همه می‌توانند من را ببینند. در کابوس‌هایم ده‌ها کنار هم هستند، ولی همه‌شان بدون در هستند و نمی‌توانم به دستشویی بروم و از خواب می‌پرم."

بازجویان پرونده آتنا فَرقَدانی بارها او را تهدید کردند که اگر همکاری نکند به زندان قرچک ورامین فرستاده خواهد شد و می‌گفتند: " آنجا ما نیستیم که هیچ اتفاقی برایت نیافتد و همه می‌دانند که وضعیت قرچک چقدر بد است."

آتنا فَرقَدانی می گوید که در طول بازجویی مورد شکنجه فیزیکی قرار نگرفته است اما صدای شکنجه و کتک خوردن مردانی را که در سلول‌های دیگر بازجویی می‌شده‌اند، می‌شنیده و آزار می‌دیده است. او می گوید: "امید علی شناس (ازفعالان مدنی که تقریبا همزمان با آتنا فَرقَدانی بازداشت شده بود) در اتاق کناری من بازجویی می‌شد، مدام می‌کوبیدند زیر صندلی‌اش و من صدای کوبیده شدن محکم در بر روی او را هم می‌شنیدم. همین‌طور صدای کتک خوردن یک مرد دیگر و التماس‌هایش را می‌شنیدم. اینقدر صدای ضرب و شتم او ناراحت کننده بود که من عصبی شدم و برگه بازجویی را پرت کردم کنار و به برخوردشان اعتراض کردم."

ماده ۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی–سیاسی:

هیچ کس را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه یا مجازات‌ها یا رفتارهای ظالمانه یا خلاف انسانی یا خوارکننده قرار داد

ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر:

هیچ کس نباید مورد شکنجه و یا سایر رفتارها و یا مجازات‌های غیرانسانی، ظالمانه و تحقیرآمیز قرار بگیرد

ماده ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است

ماده ۹ قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی:

هرگونه شکنجه متهم به‌منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده واقرارهای اخذ شده بدینوسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت

نقض حقوق شهروندی: ممانعت از تماس و ملاقات با خانواده

آتنا فَرقَدانی در دو روز نخست بازداشت اجازه تماس تلفنی با خانواده را نداشته است و پس از آن نیز از اجازه تماس تلفنی به عنوان حربه‌ای برای ساکت نگه داشتن خانواده و جلوگیری از اطلاع‌رسانی انها استفاده می‌شده است. همین تماس‌های تلفنی نیز تحت کنترل شدید انجام می‌شد و وی اجازه خبررسانی درباره وضعیتش را نداشته است.

او می‌گوید: "برای اینکه خانواده من اطلاع‌رسانی نکنند از من می‌خواستند مرتب به خانه زنگ بزنم. ولی تحت فشار بودم که از برخوردهایی

که در زندان صورت می‌گیرد چیزی نگویم و بعد از ضرب و شتم زندانبانان در ۲۵ مهر ماه از من به صراحت خواسته شد چیزی به خانواده‌ام نگویم و به محض آنکه به خواهرم گفتم من را زدند، تلفن از سوی ماموری که کنارم ایستاده بود قطع شد."

او همچنین طی مدت بازداشت ملاقاتی با خانواده نداشت و فقط دو روز قبل از آزادی، پس از اعتصاب غذایی که یکی از خواسته‌هایش ملاقات با خانواده بود به پدر و مادرش اجازه داده شد که در حضور بازجوی پرونده‌اش با او دیدار کنند.
آتنا فَرقَدانی می‌گوید چون خانواده‌اش درباره وضعیت او در زندان سکوت کرده بودند و او هم بخاطر نداشتن ملاقات نمی‌توانست آنها را از برخوردهای صورت گرفته در زندان با خبر کند، دست به اعتصاب غذا زد تا بتواند در دیدار با خانواده‌اش از آنها بخواهد درباره وضعیتش در زندان و خشونت اعمال شده علیه او اطلاع‌رسانی کنند.

ماده ۹ و ۱۰ میثاق بین المللی حقوق مدنی–سیاسی:
این دو ماده متضمن حق بازداشت‌شدگان برای تماس و ملاقات با خانواده‌شان است.ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی، حق خانواده دستگیرشدگان را برای مطلع شدن از وضعیت بازداشتی خود محفوظ می‌دارد

ماده ۱۸۰ آئین‌نامه سازمان زندان‌ها:
کلیه محکومان و متهمان تحت نظارت کامل و طبق مقررات این آیین‌نامه مجاز به داشتن ارتباط با بستگان و آشنایان خود هستند و این ارتباط بوسیله ملاقات و مکاتبه‌ها انجام می‌پذیرد

ماده ۱۸۲ آئین‌نامه سازمان زندان‌ها:
زوج یا زوجه، پدر، مادر، برادر، خواهر و فرزندان محکوم یا متهم و همچنین پدر و مادر همسر وی حق دارند بر اساس شرایط ملاقات‌های هفتگی با محکوم ملاقات کنند

ماده ۵ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی:
اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌کند که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرره پرونده به‌مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند

نقض حقوق زندانی برای دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی

آتنا فَرقَدانی که در هنگام بازگشت از بیمارستان، به دلیل جراحت دستش بازداشت شده بود، در زندان دسترسی کافی به امکانات بهداشتی و درمانی نداشت و دچار عفونت دست شد. با این حال در هنگام انتقالش به بیمارستان روی همان دست مجروح شده ،دستبند بستند و فقط پس از اعتراض او بود که دستبند را از به دست دیگرش بستند.
آتنا فَرقَدانی همچنین می‌گوید که در ۱۰ روز اول اعتصاب غذایش که هنوز درباره این موضوع اطلاع رسانی نشده بود، ماموران زندان هیچ توجهی به او نداشتند و دسترسی به پزشک نداشت. تنها پس از انتشار اخبار مربوط به اعتصابش بود که یک روز در میان فشار خون او از طرف پزشک بهداری اندازه‌گیری می‌شد. تهدید پزشک زندان مبنی بر اینکه به زور می‌خوابانیمت و سرم وصل می کنیم و تهدید رییس بازداشتگاه مبنی بر انتقال به زندان قرچک ورامین، از جمله برخوردهایی بود که طی دوران اعتصاب غذا با او شد.
آتنا فَرقَدانی ممانعت از دسترسی آزادانه به توالت را یکی دیگر از مشکلات دوران زندان می‌داند و می‌گوید: "برای استفاده از دستشویی خیلی مشکل داشتیم. برای رفتن به دستشویی باید یک کاغذ زیر در می‌گذاشتیم اما همیشه باید زمان بسیار طولانی را منتظر می‌ماندیم به گونه‌ای

که گاهی روی شکم می‌خوابیدیم که بتوانیم تحمل کنیم. وقتی هم در را باز می‌کردند در جواب اعتراض‌های من، توهین می‌کردند یا ادای من را درمی‌آوردند. دو زندانبان زنی که در بند دو الف داشتیم در این زمینه برخوردهای خشن و توهین‌امیزی داشتند. اگر هم در سلول دستشویی داشتیم بوی آن خیلی آزار دهنده و غیرقابل تحمل بود به طوری که ترجیح می دادیم دستشویی در سلول نباشد و مشکلات ناشی از انتظارهای طولانی را تمام کنیم."

آتنا فرقدانی: آقای دکتر می‌گفت اول باید حجاب داشته باشد تا من وارد سلول شوم

او همچنین می‌گوید در زمانی که با غنچه قوامی (که به دلیل تلاش برای تماشای بازی والیبال مردان بازداشت شده بود) در یک سلول بودیم سلول ما آنقدر کوچک بود که حتی پاهایمان در سلول جا نمی شد موقع خواب و یا باید پای‌مان را جمع می‌کردیم یا از زیر در سلول می زد بیرون. علاوه بر این سلول پر از مورچه بود و ما را می‌گزیدند و غنچه قوامی تمام تنش بخاطر گزیدن مورچه ها قرمز شده و کهیر زده بود.
فشار ماموران زندان برای رعایت حجاب و مشروط کردن ارائه خدمات درمانی به شرط رعایت حجاب کامل اسلامی از دیگر موارد نقض حقوق این فعال مدنی در دوران بازداشت است.

برخورد پزشک زندان در زمان اعتصاب غذا یکی از این موارد است: «در روزهای آخر اعتصاب غذا شنوایی‌ام مشکل پیدا کرده بود و در حال از دست دادن هوشیاری‌ام بودم. بعد از اینکه غنچه قوامی، خیلی در زد و خواست که به وضعیتم رسیدگی کنند، بالاخره دکتری را برای معاینه ام آوردند اما آقای دکتر می‌گفت اول باید حجاب داشته باشد تا من وارد سلول شوم و معاینه‌اش کنم. من هم گفتم حالم خوب نیست و نمی توانم در این وضعیت مانتو و چادر بپوشم و از آن طرف هم اصرار داشتند که من باید چادر سرم
کنم.در نهایت بعد از فریادهای غنچه و گریه هایش که نگران حال من بود، دکتر وارد سلول شد و شلوار من را از گوشه سلول برداشت و روی سرمن گذاشت و موقع گرفتن فشار من هم صورتش را هم از من برگردانده بود که موهایم را نبیند که من هم با همان حالم شلوار را از روی سرم برداشتم و پرت کردم طرف دیوار.»

او همچنین می‌گوید که در زمان انتقال به بیمارستان بخاطر جراحت دستش هم برای رعایت حجاب تحت فشار بود و در راه انتقال به بیمارستان مامور مردی که همراه او بود مدام با نزدیک شدن بیش از حد به او، می گفت که روسری‌ات را جلو بکش. این در حالی بود که مامور زن هم همراه او بود ولی مداخله‌ای نمی کرد و اجازه می داد مامور مرد مدام به او خیره شود و توبیخش کند.

ماده ۱۰ میثاق بین المللی حقوق مدنی–سیاسی:

درباره کلیه افراد که از آزادی خود محروم شده‌اند باید با انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی شخص انسان رفتار کرد

ماده ۱۱۳ آئین‌نامه سازمان زندان‌ها:

محکوم به محض احساس کسالت جریان را به مسئول امور نگهبانی زندان اطلاع داده و با اخذ معرفینامه به بهداری موسسه یا زندان اعزام و دارو و دستورهای لازم پزشکی را دریافت می‌دارد

نقض اصول دادرسی منصفانه

با وجود اینکه دادگاه آتنا فَرقَدانی هنوز تشکیل نشده اما برخورد قاضی و سیستم قضایی که پرونده او را در دست بررسی دارند، تا این مرحله نیز از استانداردهای داخلی و بین‌المللی حقوقی فاصله داشته است. به گفته آتنا فَرقَدانی هنگامی که دو روز قبل از آزادی برای تعیین وثیقه به دادگاه برده شد، قاضی صلواتی او را تهدید کرد که اتهام توهین به مقدسات در پرونده اش دارد و می تواند او را آنقدر در زندان نگه دارد که «علف زیر پایش سبز شود» . این در حالی است که چنین اتهامی هیچ‌گاه به او تفهیم نشده است. قاضی صلواتی همچنین پس از اعتراض آتنا فَرقَدانی به سخنان صلواتی درباره کشته‌شدگان اعتراضات سال ۱۳۸۸ وثیقه ۶۰۰ میلیون تومانی او را به یک میلیارد و دویست ملیون تومان افزایش داد.

احضار تلفنی و غیررسمی به دادگاه و تهدید آتنا فَرقَدانی و خانواده‌اش از سوی مقامات قضایی از دیگر موارد نقض حقوق بشر در این پرونده است.این فعال مدنی می‌گوید: «۸ دی ماه بعد از مصاحبه با جرس، قاضی صلواتی به خانواده من زنگ زد و گفت فردا برای برگزاری جلسه محاکمه به دادگاه بیایید. من به دلیل اینکه احضاریه رسمی و کتبی ننوشته بودند و احتمال می دادم قصد بازداشتم را داشته باشند نرفتم. اما خانواده ام رفتند وقاضی صلواتی پرینت پست های فیس بوک و مصاحبه ام را جلوی پدر و مادرم گذاشته و گفته بود اینها اتهامات جدیدش هستند.او همچنین گفته بود اگر فردا (۹ دی ماه) هشت و نیم صبح در دادگاه نباشد، ۱۰ تا مامور می فرستم در خانه تان. ولی من پس از مشورت با وکیلم به دلیل انکه احضاریه کتبی نفرستاده بودند، نرفتم.
همان شب که من فیلم [مربوط به هتک حرمت و ضرب و شتم من در بند دو الف] را در صفحه ام گذاشتم. دو ساعت بعدش؛ معاون دادستانی تهران به منزل ما تلفن کرد و به پدرم گفت که عواقب این کار و انتشار این فیلم را خودت و خانواده ات و دخترت می بینند و حکمش هم سنگین‌تر خواهد شد.»

از ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی–سیاسی:

هر کس متهم به ارتکاب جرمی بشود با تساوی کامل لااقل حق تضمین‌های ذیل را خواهد داشت:الف ـ در اسرع وقت و به تفصیل به زبانی که او بفهمد از نوع و علل اتهامی که به او نسبت داده می‌شود مطلع شود. ب ـ وقت و تسهیلات کافی برای تهیه دفاع خود و ارتباط با وکیل منتخب خود داشته باشد. دـ در محاکمه حاضر بشود و شخصاً یا به وسیله وکیل منتخب خود از خود دفاع کند و در صورتی که وکیل نداشته باشد حق داشتن وکیل به او اطلاع داده شود

ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر:

هرکس حق دارد با مساوات کامل ازامکان دادرسی منصفانه و علنی توسط یک محکمه مستقل و بی‌طرف برای تعیین حقوق و تکالیف خویش و یا اتهامات جزایی وارده بر خود برخوردار شود

نقض حق رسیدگی به شکایت شهروندان در رابطه با نقض حقوق بشر

آتنا فَرقَدانی می‌گوید از زمانی که هنوز در بازداشت بود تا کنون بارها به مسولان و نهادهای مختلف در رابطه با هتک حرمت به او در زندان و ضرب وشتمش از سوی ماموران زندان اعتراض کرده و خواهان رسیدگی به موارد نقض حقوقش در زندان شده اما تا کنون هیچ پاسخی از هیچ کدام آنها دریافت نکرده است. او می‌گوید در زمان بازداشت هم بارها به بازجوها شکایتش را اعلام کرده بود و هربار می گفتند پیگیری می کنند ولی نتیجه اش را نمی دید و این اعتراض‌ها تاثیری نداشتند.

رهبر جمهوری اسلامی ایران، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، دادستانی کل کشور، ریاست کل دادگستری، دیوان عالی کشور، معاون زنان ریاست جمهوری، اداره کل زندان‌های استان تهران و رئیس زندان اوین، مقامات و نهادهایی هستند که این فعال مدنی نامه اعتراضی خود را برای انها ارسال کرده است. او همچنین به صورت شخصی و حضوری نیز شکایت خود را به برخی از این مراجع و همچنین برخی نمایندگان مجلس از جمله علی مطهری اعلام کرده است.

از سوی دیگر او می گوید با وجود اینکه پس از آزادی از زندان، ۱۰ نامه اعتراضی به مقامات و نهادهای مختلف پست کرده است، اما اداره پست فقط نامه به دادگستری را ارسال کرده است. او که این ماجرا را از طریق ردگیری اینترنتی شماره پیگیری نامه‌ها متوجه شده، می‌گوید در برابر نامه‌هایی که پست کرده‌ام و رسیدشان را هم دارم نوشته شده "ارسال نشده است."

این فعال مدنی اضافه می‌کند: « علاوه بر ارسال پستی نامه ها برخی نامه‌ها را به صورت دستی هم به نهادهای مربوطه تحویل دادم. از جمله نامه‌هایی که به علی مطهری و دادگستری دادم. ولی در دادگستری وقتی فهمیدند که از طرف سپاه بازداشت شده‌ام نوع برخوردشان عوض شد و بعد هم هیچ تماسی با من گرفته نشد.»

همه اینها در حالی است که نسخه‌ای از این نامه‌ها در اختیار نیروهای امنیتی قرار گرفته و بازجوی پرونده طی تماس تلفنی او را به دلیل نوشتن این نامه‌های اعتراضی و ارسال آن به مقامات مسوول توبیخ کرده است: «بعد از پست این نامه‌ها، بازجویم به من تلفن کرد و گفت مگه ما نگفتیم خودمان موضوع آزار شما از سوی آن دو زندانبان زن را پیگیری می‌کنیم؟ ما خودمان به رئیس بازداشتگاه اینها را گفته‌ایم و جراحت شما را هم تایید کردیم. دیگر چرا شکایت کرده‌اید؟ و شروع کرد به خواندن بخشی از نامه‌ای که من برای مقامات نوشته بودم و متوجه شدم که نامه‌ها به دست بازجویانم رسیده است.»

اصل ۳۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع کند. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد

نقض حق ادامه تحصیل

آتنا فَرقَدانی به دلیل فارغ‌التحصیلی با با معدل کل ۱۹,۷۸ در رشته هنر رتبه برتر کل دانشگاه الزهرا اعلام شده و از او دعوت شده بود که بدون دادن کنکور به عنوان استعداد درخشان در مقطع کارشناسی ارشد ثبت‌نام کند، اما پس از بازداشتش انسیه خزعلی، رییس دانشگاه الزهرا از ثبت‌نام او ممانعت کرد و گفت:« با این کاری که کردید پای خود را فراتر از قانون گذاشتید و انشالله در سال‌های بعد در جاهای دیگر ببینمتان.»

ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر:

دستیابی به آموزش عالی باید به شکلی برابر برای تمامی افراد و بر پایه شایستگی‌های فردی صورت پذیرد.

ناقضان حقوق بشر در پرونده آتنا فَرقَدانی

ماموران قرارگاه ثارالله سپاه

بر اساس تحقیقات عدالت برای ایران، قرارگاه ثارالله سپاه، مسئولیت اصلی را در شناسایی، دستگیری و بازجویی از آتنا فَرقَدانی داشته است. ماموران این قرارگاه و بازجویان بند دوالف که به دلیل پنهان کردن هویت واقعی خود، هنوز اسامی‌شان شناخته شده نیست، باید به دلیل بازداشت خودسرانه، محروم کردن آتنا فَرقَدانی از تماس و ملاقات با خانواده، ممانعت از اعمال حق وی در دسترسی به وکیل، نقض حریم خصوصی او و نقض قوانین مربوط به حقوق شهروندی، پاسخگو شوند.

زندانبانان و ماموران بند دو الف سپاه

دو مامور بند دو الف سپاه به دلیل ضرب و شتم،هتک حرمت و فحاشی به آتنا فَرقَدانی در روز ۲۵ مهرماه ۱۳۹۳ مسوول هستند و باید در این زمینه پاسخگو باشند. همچنین ماموارنی که در طی مدت بازداشت او از دسترسی‌اش به امکانات ضروری بهداشتی همچون توالت ممانعت می‌کرده و در هنگام انتقال او به بیمارستان با او بدرفتاری کرده‌اند نیز بخاطر نقض حقوق شهروندی آتنا فَرقَدانی مسوول هستند.

علیرضا خورشیدی، بازپرس شعبه دو دادسرای اوین

علیرضا خورشیدی، بازپرس شعبه دو دادسرای اوین اتهامات «تبلیغ علیه نظام، اقدام علیه امنیت کشور، تجمع و تبانی با افراد ضدانقلاب و فرقه ضاله (بهاییان) و توهین به مقامات جمهوری اسلامی» را به دلیل فعالیت‌های مدنی و هنری آتنا فرقدانی به او تفهیم کرده است.

اتهامات وارد شده به این فعال مدنی بر اساس استانداردهای قضایی بین المللی جرم محسوب نمی‌شوند و محاکمه افراد به خاطر آنها نقض آزادی بیان است. علیرضا خورشیدی به جهت تفهیم این اتهامات مسئول است و باید پاسخگو باشد.
علیرضا خورشیدی که تفهیم اتهام و بازپرسی پرونده بسیاری از زندانیان سیاسی را برعهده داشته در بسیاری از این پرونده‌ها نیز مرتکب نقض حقوق بشر شده است. لغو مرخصی سید محمد ابراهیمی از زندانیان سیاسی بند ۳۵۰، احضار و تهدید پدر و مادر محمد متاجی، ارسال کننده پیام کوتاه "رفع حصر" به حداد عادل و برخی از نمایندگان مجلس، دستور انتقال نگار حائری،حقوقدان و زندانی سیاسی از زندان اوین به زندان قرچک ورامین از جمله این موارد هستند.

ابوالقاسم صلواتی، رئیس شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران

ابوالقاسم صلواتی، رئیس شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به دلیل تهدید آتنا فَرقَدانی به مواردی خارج از اتهامات تفهیم شده به او، اعمال نفوذ و فشار در انتخاب وکیل از سوی متهم، تهدید متهم به بازداشت طولانی به دلیل سخنانش در دادگاه و دوبرابر کردن میزان وثیقه از پیش تعیین شده و همچنین تماس تلفنی با منزل آتنا فَرقَدانی و احضار شفاهی و غیرقانونی او به دادگاه، متهم به نقض حقوق شهروندی آتنا فَرقَدانی است و باید در این زمینه پاسخگو باشد.
ابوالقاسم صلواتی از مسئولان رسیدگی به پرونده‌های انتخاباتی و قاضی «دادگاه‌های نمایشی» در تابستان سال ۱۳۸۸است.او پس از اعتراضات بعد ازانتخابات ریاست جمهوری دو نفر از اعضای گروه‌های سلطنت طلب را به اعدام محکوم کرد و برای بیش از ۱۰۰ زندانی سیاسی، فعال حقوق بشر و معترض را احکام حبس بلندمدت صادر کرد.اتحادیه اروپا فروردین ۱۳۹۰ابولقاسم صلواتی را به دلیل نقشی که در نقض گسترده و شدید شهروندان ایرانی داشته اند، در لیست تحریم‌های خود قرار دارد.

گزارش مفصلی که از سوی عدالت برای ایران درباره پرونده سهیل عربی منتشر شده نیز نشان می‌دهد که قرارگاه ثارالله و قاضی صلواتی مسئولیت نقض حقوق بشر در این پرونده را بر عهده داشته‌اند. سهیل عربی، به دلیل انتشار مطالبی در فیس بوک به اعدام، حبس، شلاق و جریمه نقدی محکوم شده است.

پیوست‌ها:

احضاریه دادگاه انقلاب برای آتنا فَرقَدانی

بسمه تعالی

شماره: ۱۹۶۲۰/۹۳/ط د
تاریخ: ۹۳/۱۰/۱۳

دادگستری کل استان

برگ احضار متهم

نام : آتنا	نام خانوادگی : فرقدانی — نام پدر: محمدتقی
محل اقامت : بالاتر از سیدخندان ، خ خواجه عبداله انصاری ، خ تیسفون ، نبش کوچه هیرمند ، پلاک ۲ ، واحد ۱۰	
علت حضور: بعنوان متهم احضار می شوید.	
محل حضور: شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران – خیابان شریعتی ، ابتدای خیابان معلم	
وقت حضور : سه روز پس از رویت	
اگر وکیل انتخاب نموده اید و اشخاصی را هم به عنوان شهود قضیه دارید قبل از وقت مقرر معرفی نمایید تا احضار شوند. نتیجه عدم حضور جلب است و چنانچه در موعد مقرر حاضر نشوید دادگاه حکم غیابی صادر خواهد نمود. در صورتیکه عذر موجهی مطابق ماده (۱۱۶) آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب دارید به دادگاه اعلام نمایید. مهر و امضای مدیر دفتر دادگاه	
نام و نام خانوادگی مامورابلاغ :	امضاء
امضای احضار شونده :	

رسید پستی ارسال نامه‌های اعتراضی آتنا فَرقَدانی به مقامات و نهادهای مسئول

نامه اعتراضی آتنا فَرقَدانی خطاب به مقامات و نهادهای مسئول

به نام خدا

با سلام

اینجانب آتنا فرقدانی به شماره شناسنامه ۲۴۸۲۸ صادره از تهران متولد ۱۳۶۵/۱۱/۹ به شماره ملی ۰۰۷۹۴۱۸۹۳۷ در مقطع کارشناسی هنر (نقاشی) با معدل کل ۱۹/۷۸ دانشگاه هنر الزهرا تحصیل کردم. از سال ۱۳۸۸ بنا به وظیفه‌ی انسانی خود پا به عرصه‌های فعالیت اجتماعی نهادم. وظیفه‌ای که جامعه بر دوشم نهاد و من به گفته‌ی اساتید و گروه هنر دانشگاه الزهرا به عنوان نخبه و استعداد درخشان شناخته شده بودم را آرام آرام متوجه مسئولیت خود در قبال جامعه ساخت جامعه‌ای که بیش از پیش به دلجویی نیاز داشت تا بتواند از خشونتهای گذرانده خود رها شود. از این رو با آسیب‌دیده‌ترین آنها یعنی خانواده شهدای سال ۱۳۸۸ دیدار کردم تا بتوانم به نوبه‌ی خود بار بغض و نفرتی که بر جامعه هر روز بیشتر و بیشتر سایه می‌افکند را کمتر و کمتر کنم. (همانطور که پیامبر اسلام نیز برای برداشتن این بار به عیادت پیرزنی رفت که علاوه بر توهین به سر ایشان زباله می‌ریخت. اما متأسفانه عده‌ای نتوانستند این وظیفه‌ی مهم در قبال جامعه را بپذیرند و خشمگین از این که چرا من به وظیفه‌ی خود عمل کردم در اوایل شهریور ماه با یورش غیرقانونی و شاید با مجوز تلفنی به منزل شخصی اقدام به ربودن برخی از وسایل خانه کردند. از آن ۱۲ نفر که شاید تلفنی مجوز گرفته بودند، فرد آزاده‌ای پیدا نشد تا بر سرقت اموال شخصی‌ام اعتراض کند و یادآور قانون شود. سرقت از آن جهت که تعدادی از وسایل ارزشمندم را در لیست توقیف نیاوردند که این مصداق بارز سوءاستفاده از جایگاه و منصب می‌باشد. این رفتاری نیست که حضرت علی (ع) با برادر خود کرد. با این که رفتارهای غیرقانونی بسیارند، از جمله بازداشت موقت ۲ ماهه که در هیچ کجای قانون اساسی که همه در برابر آن یکسانیم اجازه این کار داده نمی‌شود، اما انگیزش اصلی طرح نامه این رفتارهای غیرقانونی نبوده است. زیرا آنقدر این رفتارها و بازداشت‌ها تکرار شده است که وجهه‌ی عرف و عادی به خود گرفته است و چنان همگان در برابرش سکوت نمودند که اعتراض به این رفتارها پاسخی جز توجیه یا پوششی غیرهمگون و نامتعارفی از قانون در بر نخواهد داشت.

محور اصلی این نامه مربوط به هتک حرمتی است که در بازداشتگاه موقت بند ۲ الف به بانوان محترم و بزرگوار این سرزمین روا داشته می‌شود. بانوانی که اکثریتشان تحصیل کرده و جزو سرمایه‌های این مرز و بوم هستند و صرفاً به دلیل اختلاف سلیقه با گروهی خاص در بند گرفتار شدند. گروهی که خود را فرای قانون می‌یابد و به راحتی از

۱

خصوصی‌ترین مسائل و عقاید جرمهای اعجاب انگیز خلق می‌کند و هیچ نمی‌اندیشند که دستورات خداوند و پیامبر عظیم‌الشأنش و ائمه اطهار (ع) خلاف این رفتارهاست. تقاضا دارم با بررسی اتفاقاتی که به شرح مفصل آن خواهم پرداخت تدبیر وا ندیشه‌ای شود که از این پس راه توهین و هتک حرمت، بر بانوان بسته شود و مسببان این اعمال زننده و خلاف اخلاق دیگر اجازه اینگونه برخوردها را به خود ندهند و به جای تبعیت از فرمان خلاف اخلاق مقام بالاتر، خود را در محضر خدا یافته و خود را تنها برای خود کافی بدانند....

شرح ماجرا:

به دلیل وجود حس علاقه و نیاز همیشگی به کشیدن نقاشی، تصمیم گرفتم داخل زندان هم روحم را با نقاشی تطمیع کنم... به همین سبب از لیوان‌های کاغذی که داخل آن شیر ریخته می‌شد و توسط زندانبانان (خواهران) در بین زندانیان توزیع می‌گردید، استفاده کردم و با بهره گرفتن از برگ‌ها و گلبرگ‌های داخل هواخوری بند شروع به کشیدن نقاشی کردم. در همین حین یک روز یکی از زندانبانان (خواهران) بند، ۳ عدد از نقاشی‌هایم را دید و بسیار متین نقاشی‌ها را از من گرفتند و من هم تحویلشان دادم. اما به دلیل اینکه متوجه این امر شدند که از لیوان‌های کاغذی برای چه منظور استفاده می‌کنم، دیگر لیوان کاغذی در اختیارم قرار داده نشد. به همین علت دقیقاً در روز ۱۳۹۳/۷/۲۵ هنگامی که وارد دستشویی زندان شدم، داخل سطل زباله ۲ عدد لیوان کاغذی دیدم و آنها را داخل لباسهایم جاسازی کردم. زمانیکه به سلول بازگشتم. صدای پچ پچ زندانبانها را شنیدم که می‌گفتند به چه دلیل این لیوانها را میخواهد یکی از آن دو نفر می‌گفت : فیلم را جلو بزن، عقب بزن. بلافاصله تا آمدم لیوانها را از لباسهایم خارج کنم و داخل سلول جایگذاری کنم، ناگهان یکی از دو زندانبان درب سلول را به طرز وحشیانه‌ای باز کرد و شروع کرد به فحاشی برای مُجاب شدن من به درآوردن لباسهایم، هرچقدر به او گفتم این کار شما غیرقانونی است، صدای فحاشی و فحش‌های رکیک دادن را بالاتر بردند و من هم ۲ عدد لیوان کاغذی را از لباسهایم خارج کردم و روی زمین انداختم و گفتم دیگر چیزی در لباسهایم نیست. اما اصرار برای اینکه لباسهای من را از تنم خارج کنند و به دلیل ممانعت اینجانب، باعث شد یکی از آن دونفر من را به کنج سلولم بکشاند و به زور روی زمین بنشانتم، در همین حین یکی دیگر از زندانبانان دستهای مرا به بالا برد و باز هم به دلیل اینکه مانع می‌شدم، دستم را به دیوار کوبید و استخوان مچ دست راستم به شدت کبود شد وورم کرد. یکی دیگر از زندانبانان شروع به درآوردن لباسهای رویی و زیرین من کرد که اثر چنگ‌ها و ناخن‌های این خانم بر روی سینه من جا گذاشت.

۲

با اینکه با عصبانیت به آن دو نفر گفتم، من در اعتصاب غذا هستم و شما حق چنین برخوردی را با من ندارید، یکی از آن دو شروع کرد به گفتن اینکه دهانت را ببند و گرنه چنان می‌زنم که دهانت پر از خون شود. باز هم به فحش‌های رکیک دادن و گفتن جمله‌ای که معلوم نیست از کدام کثافت‌خانه‌ای به اینجا آوردنت ادامه داد و در همین حالت شروع به بازرسی کل سلول و بهم ریختن وسایلم کردند. از آن جا که نقاشی‌ها را در زیرفرش پنهان کرده بودم، آنها را پیدا کردند و باز هم با الفاظ زشت و زننده از سلول خارج شدند. فردای همان روز مچ دستم را که کبود شده بود به شیفت بعد از این خواهران نشان دادم. یکی از اینخانمها که در شیفت ۱۳۹۲/۷/۲۶ حضور داشت و بسیار هم متشخص و انسان با وجدانی این خانم‌ها بود، من را به بهداری بند منتقل کرد و پزشک معالج برای رفع التهاب استخوانم دستور مصرف قرص را برایم تجویز کرد. چون در اعتصاب غذای خشک بودم از خوردن قرص امتناع کردم و التهاب دستم بعد از گذشت چند روز، با درد فراوانی که داشتم بهبود یافت. اما هنوز اثرات برخورد آن دو زندانبان خائم به صورت کابوس‌های شبانه به سراغم می‌آید. هنگامیکه داخل زندان بودم بلافاصله خواستار رسیدگی به این رفتارهای وقیحانه شدم و با رئیس زندان، رئیس بازداشتگاه و افسر نگهبان ملاقات کردم و موضوع را به صورت شفاهی و کتبی ارجاع دادم.

رئیس بازداشتگاه بعد از شرح این ماجرا گفت : خانم فرقدانی این بازرسی صددرصد با دستور مقام بالاتری انجام شده و کارشناس پرونده هم حتماً در جریان این برخورد بوده است. بعد از انتقال این مطلب به مسئولین داخل زندان اوین، یکی دیگر از شیفت‌های زندانبانی خواهران برایم سبدی از میوه و شکلات و بیسکویت آوردند به همراه کاغذ و خودکار و مجله و تلویزیون و نقاشی‌هایی که از من به زور گرفته شده بود. در تمام این مدت و تا زمان خروج از زندان درصدد جلب رضایت من، برای بازگو نکردن شرح این ماجرا در خارج از زندان بودند.

از مقامات عالی، خواستارم که جهت رسیدگی به این موضوع و شکایت اینجانب، سریعاً اقدام نمایند و پیگیری‌های لازم انجام شود ..

با تشکر

آتنا فرقدانی